

مدیریت و بررسی رابطه بین الگوی پراشینگ و تیپ‌های شخصیتی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان

هیام جرفی^۱

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

رشد و توسعه هر جامعه مستلزم پویایی نظام آموزشی آن جامعه است، و تحول در نظام آموزشی در گرو بهبود عملکرد تدریس معلمان می‌باشد. معلم به عنوان یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت در همه جوامع شناخته می‌شود و مجری برنامه‌های آموزشی در مدارس و تربیت کننده نیروی انسانی مورد نیاز جامعه می‌باشد. به همین دلیل هر نوع پیشرفت مادی و معنوی جامعه وابسته به کیفیت کار معلمان آن جامعه است. معلم باید از نظر شخصیتی، علمی و اخلاقی سرآمد عصر خود بوده و همیشه در پی تقویت آنها باشد. با توجه به نقش و جایگاه معلم به خصوص در عصر کنونی لازم است معلمان از بین بهترین افراد تحصیل کرده انتخاب شوند و از آموزش‌های لازم در امر تربیت همه جانبه دانش‌آموزان برخوردار شوند (امیری، ۱۳۹۴)

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های تدریس و تیپ‌های شخصیتی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ است. نمونه پژوهش شامل ۲۰۷ معلم مقطع ابتدایی (زن=۱۰۵ و مرد=۱۰۲) شهرستان دشت آزادگان انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود که در آن معلمان به پرسشنامه سبک تدریس پراشینگ و پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO) فرم کوتاه پاسخ دادند. که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد رابطه معناداری بین سبک‌های تدریس با برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی وجود دارد. اما رابطه سبک‌های تدریس با روان‌رنجوری معنادار نبود.

واژگان کلیدی: سبک‌های تدریس (معلم‌محور، انعطاف‌پذیر، دانش‌آموز محور)، تیپ‌های شخصیتی (برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی، روان‌رنجوری)، معلمان مقطع ابتدایی

۱- مقدمه

در هر نظام آموزشی، از میان عناصر آن معلمان به عنوان خط مقدم و عامل تحقق بخشی اهداف آن نظام تلقی می‌شوند. معلمان می‌توانند با وجود کمبود امکانات و فضای آموزشی بستر لازم را برای یادگیری و رشد فراگیران تسهیل و فراهم کنند و با به کارگیری شیوه‌ها و الگوهای مناسب تدریس، برخوردها و روابط انسانی با فراگیران موجب رشد فکری، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و خلاقیت آنان شوند (نقیه، ۹۴-۱۳۹۳). معلمان بیشترین نقش را در بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی مدارس ایفا می‌کنند و بدیهی است که دانش تخصصی معلمان هنگامی می‌تواند کارایی خوبی داشته باشد که با سبک‌های مناسب مورد بهره‌برداری مخاطبان قرار گیرد. در آموزش تلاش معلم این است که دانسته‌های خود را به دانش‌آموزان انتقال دهد. تناسب بین سبک‌های تدریس و تیپ شخصیتی را زمانی می‌توان به دست آورد که معلمان از نیازها، استعدادها، پتانسیل‌ها و ترجیح سبک تدریس‌شان، برای برآورده کردن نیازها آگاهی داشته باشند. شناخت دقیق نیروی انسانی شاغل در نظام آموزشی، امری لازم برای برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش است (قربانی، ۱۳۸۲). دان^۱ (۱۹۹۰) می‌گوید: تدریس^۲ به عنوان یک وظیفه پیچیده و پرمسئولیت از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی بوده است. آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم که چرا عملکرد بعضی از دانش‌آموزان در مدرسه خوب است و بعضی دیگر عملکرد خوبی در مدرسه ندارند، یا کاملاً با شکست روبرو می‌شوند (پراشنیگ^۳، ۲۰۰۲).

اگر بین مدرس و فراگیر پیوند عاطفی وجود نداشته باشد فعل و انفعالات آموزش به تدریج دچار اختلال می‌شود. در حوزه تدریس واژه‌ای به نام سبک تدریس^۴ را داریم. سبک تدریس اثر متفاوتی از جمله پیشرفت و رضایت را بر رفتار دانش‌آموزان می‌گذارد. حتی محققان معلوم کرده‌اند که هر سبک تدریس بیشتر با کدام یک از برون‌دادهای آموزش و پرورش تناسب دارد. سبک تدریس نشان دهنده کیفیت رفتارهایی است که مدرس در رهبری کلاس به کار می‌برد (گراشا^۵، ۱۹۹۶؛ به نقل از درویش قدیمی، ۱۳۸۹). به عبارتی سبک تدریس اشاره به رفتارهایی دارد که معلم در تعاملاتش با فراگیران از خود نشان می‌دهد و نقش مهمی در جنبه‌های مختلف یاددهی ایفا می‌کند (هایملیچ^۶، ۲۰۰۲).

انعطاف‌پذیری در سبک تدریس، یکی از متغیرهای مهم برای کسب بین سبک‌های تدریس و سبک‌های یادگیری می‌باشند، در این رابطه پراشنیگ (۲۰۰۲) معتقد است که در حقیقت معلمان یکی از کم انعطاف‌پذیرترین افراد در گروه‌های شغلی هستند و ترجیح می‌دهند که در حد آنچه که می‌دانند، همچنان باقی بمانند و به طور کلی آنان در مقابل تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهند. معلمان و

1. Dunn
2. teaching
3. Prashnig
4. teaching style
5. Grasha
6. Heimlich

مدیران برای آنکه بتوانند در سمت خود کارآمد و موفق باشند باید از نظر ویژگی‌های شخصیتی با شغل خود انطباق داشته باشند، زیرا که این عدم انطباق باعث عدم موفقیت آن‌ها در وظایف محوله خواهد شد. اگر افراد از نظر شخصیت متناسب با شغل و حرفه‌ای باشند که انجام می‌دهند، متوجه خواهند شد که برای انجام وظیفه‌ای که به آن‌ها محول شده، از استعداد و توانایی‌های لازم برخوردارند و از این رو موفق‌تر خواهند شد (رابینز^۷، ۱۹۹۸؛ ترجمه پارسائیان و اعرابی، ۱۳۷۹).

موضوع شخصیت از جنبه‌های مختلف مورد پژوهش و ارزیابی قرار گرفته است. ماهیت رشد و سلامت، بیماری و تیپ‌های شخصیت از جمله مهم‌ترین این جنبه‌هاست (جلالی، ۱۳۹۰). برای رویارویی موفقیت‌آمیز با رویدادهای زندگی، آگاهی از عوامل شخصیتی بسیار مؤثر است، زیرا عوامل شخصیتی با این مسأله که یک فرد چگونه دنیا را مشاهده می‌کند و چگونه به عوامل و موقعیت‌های استرس‌زا پاسخ می‌دهد، ارتباط دارد (کلینک^۸، ۲۰۰۶؛ ترجمه گودرزی، ۱۳۸۷).

در واقع شناخت ویژگی‌ها و تیپ‌های شخصیتی معلمان می‌تواند شرایط را جهت جذب و نگهداری آن‌ها مناسب‌تر کند و از سوی دیگر، سازمان‌های آموزشی با اعمال گوناگون و مناسب با نوع ویژگی‌های شخصیتی معلمان، کارایی و اثربخشی آن‌ها را افزایش می‌دهند، بنابراین انتخاب و انتصاب افراد در مشاغل ویژه همچون معلمی باید با شناخت کامل از نظر ویژگی‌های شخصیتی همراه باشد (قربانی، ۱۳۸۲). در واقع متداول‌ترین عامل مؤثر بر مدیریت کلاس، خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی معلم است زیرا کارایی معلم علاوه بر استفاده از دانش معلمی، شامل نگرش و نیت و شخصیت او در راستای اداره کلاس و توانمندسازی دانش‌آموزان می‌باشد (شنبیدی، ۱۳۷۶؛ به نقل از قضاوی، ۱۳۸۹).

سبک‌های تدریس معلم می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تغییرات در تیپ‌های شخصیتی وی باشد. همچنین تیپ‌های شخصیتی معلم می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تغییرات در سبک‌های تدریس او باشد. رابطه بین سبک تدریس معلمان و تیپ شخصیتی آنان نقش مؤثر در رضایت دانش‌آموزان و افزایش بازدهی در یادگیری آنان ایفا می‌کند. مؤلفه تیپ‌های شخصیتی و سبک‌های تدریس دو عامل مهم در بهبود عملکرد معلمان و موفقیت دانش‌آموزان است.

در کشورهای در حال توسعه، انتخاب سبک تدریس از سوی معلم، توجه به عوامل احساسی، عاطفی یادگیرندگان و نیز توفیق در ایجاد روابط انسانی می‌تواند نقش قابل توجهی در ایجاد انگیزه فراگیران ایفا کند. در اغلب کشورهای در حال توسعه، یادگیرندگان به محتوای دروس انتخابی در نظام انتخاب واحد، نگرش مثبتی ندارند و آنها را مطابق میل و علاقه باطنی خود ارزیابی نمی‌کنند. اما ملاحظه می‌شود که به دنبال انتخاب سبک تدریس مناسب از سوی معلم، فراگیرندگان پس از گذشت مدتی بر برخی از دروس موردنظر، علاقه پیدا می‌کنند. این امر نقش دروس را در ایجاد علاقه و انگیزه در

7. Robins

8. Kleinke

فراگیران نظام‌های آموزشی کشورهای در حال توسعه بیشتر نمایان می‌سازد (هارپ،^۹ ۱۹۹۶؛ به نقل از رسولی نژاد و رسولی نژاد، ۱۳۸۴).

انواع سبک‌های تدریس از نظر پراش‌نیگ

سبک‌های تدریس بر طبق پرسش‌نامه عبارتند از: سبک تدریس تحلیلی محض یا سنتی و یا معلم-محور (سبک تدریس غیر فعال یا رسمی)، سبک تدریس انعطاف‌پذیر، سبک تدریس کل‌گرا یا دانش‌آموز-محور (سبک تدریس فعال یا غیررسمی)

- سبک تدریس تحلیلی محض (سنتی)

بر طبق نظر پراش‌نیگ (۲۰۰۲) هر قسمت از مغز سبک خاصی را پردازش می‌کند. سمت چپ مغز منطقی و تحلیلی^{۱۰} و علمی است. شیوه‌ای که هنوز تا به امروز بر آموزش رسمی غلبه می‌کند و که از سمت چپ مغز خود استفاده می‌کنند، دارای سبک‌های منطقی تحلیلی هستند، اما امروزه به معلمانی نیاز است که دارای سبکی باشند که هر دو نیمکره مغز را به مشارکت مساوی با یکدیگر دعوت کنند. در این صورت، بهره‌بهتری از مهارت‌های خلاق سمت راست مغز خود می‌برند. او معتقد است که معلمانی که در پذیرفتن استانداردهای موجود، روند و انتظارات، مشکلی ندارند، کسانی هستند که به وسیله سبک‌های تحلیلی و منطقی سمت چپ راهنمایی می‌شوند و شیوه‌های تدریس آن‌ها هم بر اساس ترجیحات تحلیلی بوده است.

معلمی که سبک تحلیلی دارد، از روش گام به گام در تدریس استفاده می‌کند. هر گامی را قبل از شروع گام دیگر به پایان می‌رساند، در غیر این صورت، خستگی، استرس، و گیجی بر کلاس حاکم می‌شوند. چنین معلمانی انتظار دارند تمام فراگیران دارای سبک یادگیری یکسان باشند. اما تمام فراگیران به روش گام به گام، نمی‌توانند مطالب را یاد بگیرند. فراگیران ناموفق، این روش را در سبک تدریس تحلیلی، خسته کننده می‌دانند. به دلیل این که، فراگیران نمی‌توانند در یک زمان به راحتی روی یک چیز تمرکز داشته باشند و تمرکز خود را از دست می‌دهند و توضیحات مرحله به مرحله برای آن‌ها خسته کننده است.

- سبک تدریس انعطاف‌پذیر

معلمی که سبک تدریس انعطاف‌پذیر دارد زمانی که درسی ناموفق پیش می‌رود فوراً به راه‌کارهای متفاوتی می‌اندیشد که علاقه و توجه فراگیران را به آن جلب کند. چنین معلمانی، گاهی یک سبک ویژه تدریس را تقریباً با کنار گذاشتن سبک‌های دیگر می‌پذیرند، گاهی دامنه‌ای از سبک‌ها برای اهداف گوناگون بکار می‌روند. دلایل ارائه شده برای هر یک از اینها فرق می‌کند. زمانی به علت اینکه فراگیران

⁹ . Harp

¹⁰ . analytical & logic

تنوع را تجربه کنند، زمانی به علت ترجیح خود معلم و گاهی به علت الزامات انواع گوناگون کار می‌باشد.

سبک تدریس کل‌گرا

معلمی که سبک تدریس کل‌گرا دارد از نیمکره راست مغز خود استفاده می‌کنند. او فراگیران را به برقراری تعادل اجتماعی در کلاس در ارتباط با محتوای یادگیری برای کسب تجربیات شخصی تشویق می‌کند. همچنین روی نیازهای یادگیری فراگیران تأکید می‌کند. سپس بر اساس سبک یادگیری آنها، اول یک تصویر کلی برای فراگیران فراهم می‌کند و از دادن جزئیات و دستورالعمل‌ها زیاد خودداری می‌کند.

دان (۱۹۹۳) معتقد است که بیشتر معلمان با سبک‌های نامتناسب کار می‌کنند و عدم موفقیت خود را در تدریس ناشی از عدم توانایی خود می‌کنند. در واقع، این عدم توانایی ناشی از عدم تناسب بین سبک تدریس معلم و سبک یادگیری دانش‌آموزان می‌باشد. معلمان بیشترین سعی خود را در ارتباط با دانش و تجهیزاتی که در اختیار دارند، به عمل می‌آورند. آنها در سیستمی که مستلزم یکنواختی می‌باشد. آموزش دیده‌اند و هرگز برای شناخت نیازهای یادگیری فردی و پذیرش فردیت و تأکید بر تنوع در کلاس آموزش ندیده‌اند. او بیان می‌کند که اکثر معلمان دارای سبک تدریس تحلیل‌گرا هستند. آنها روال معمول تدریس را تثبیت می‌کنند. دانش‌آموزان را آرام پشت میز می‌نشانند، مطالب را اندک اندک در مغز آن‌ها رسوخ می‌دهند و احساس فردیت را حتی‌الامکان در وجود آنان از بین می‌برند. در حالی که، معلمان در مدارس با دانش‌آموزانی سروکار دارند که به تنوع، تحرک و محیط کار غیر رسمی بیشتر نیاز دارند. اگر معلمان ترجیحات سبک تدریس و سبک یادگیری دانش‌آموزان خود را تشخیص ندهند، این عدم تناسب سبکی، موجب استرس، خستگی، ناکامی و نارضایتی هر دو (معلم و دانش‌آموز) می‌شود. در نتیجه می‌توان دریافت که تناسب سبک‌های تدریس و یادگیری در عمل بسیار اهمیت دارد. در حقیقت، تناسب سبک‌ها در تدریس منجر به عملکرد بالا و بهره‌وری بی‌نظیر می‌شود.

مؤلفه‌های سبک تدریس پراشینگ

سبک تدریس پراشینگ (۲۰۰۲) شامل چهار مؤلفه می‌باشد که عبارتند از: روش‌های تدریس، راهبردهای مدیریت، محیط کلاس، فنون برنامه‌ریزی

روش‌های تدریس

کلاس فراگیرانی با سبک‌های یادگیری متفاوت دارد، یک معلم باید از سیستم سبک‌هایی که هر فراگیر برای یادگیری بکار می‌برد، اطلاع داشته باشد با مشخص کردن نیمرخ استعدادی^{۱۱} فراگیران، روش‌های تدریس معلم اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد. معلم باید، ارزیابی کند که کدام روش تدریس به نفع یادگیری فراگیر و کدامیک مضر هستند. روش‌های تدریس معلم شامل چهار مؤلفه زیر می‌باشد:

¹¹ . intelligence profile

شنیداری (شنوایی، گویایی، گفتگو با خود)، دیداری (خواندن، بصری تجسمی)، لامسه‌ای (لمس، دست‌کاری با اشیاء)، جنبشی (ترجیحات، احساسی و فیزیکی)

راهبردهای مدیریت

راهبردهای مدیریت اغلب بر اساس ترجیحات شخصی معلم که در طی تدریس به دست می‌آیند، هستند، چگونه مدیریت معلم را نسبت به نیازهای یادگیری اجتماعی و فیزیکی فراگیران نشان می‌دهد. زمانی که راهبردهای مدیریت کلاس‌ها کل‌گرا- فردگرا باشند، معلم از نیازهای یادگیری فردی فراگیران آگاه است. معلم گرایش به استفاده از فنون‌های مدیریت فراگیر- محور^{۱۲} را در کلاس دارد و به راحتی می‌تواند، تغییراتی را در زمینه مسئولیت‌انگیزه یادگیری و هوشیاری فراگیران مشاهده کند. او روش‌های گوناگون را در کلاس استفاده می‌کند و از این امر آگاه است که برای چه کسی از این روش‌ها استفاده کند.

فنون برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی مطالب درسی و فنون تدریس برای به حداکثر رساندن علاقه دانش‌آموزان بسیار مهم است، هس^{۱۳} (۱۹۹۸) عقیده دارد که بخش مهمی از وظیفه معلم در یادگیری، استفاده از فنون‌های مناسب برنامه‌ریزی در کلاس می‌باشد. در این صورت معلم سعی می‌کند، فنون‌ها را با خصوصیات فردی دانش‌آموزان و سبک یادگیری آنان منطبق و هماهنگ سازد. در واقع، عدم تناسب بین فنون‌های برنامه‌ریزی معلم با سبک طبیعی یادگیری شاگردان، باعث عدم علاقه بیشتر دانش‌آموزان در یادگیری می‌شود. او همچنین بیان می‌کند که برنامه‌ریزی کلاس بستگی به روش بیان کردن محتوای خاص و اهداف مهارتی معلم و ارتباط آن اهداف با اهداف دانش‌آموزان دارد. او معلمان را به ارزیابی کلاسی تشویق می‌کند و از فنون یادگیری جمعی برای رسیدن دانش‌آموزان به اهدافشان استفاده می‌کند.

محیط کلاس

پالمر^{۱۴} (۱۹۹۰) معتقد است زمانی که دانش‌آموزان در محیط راحت، لذت‌بخش و متناسب با ترجیحات سبک خود، نسبت به یادگیری موفقیت‌آمیزشان احساس رضایت کنند، دیگر نیاز نیست که به سراغ پیدا کردن راه‌هایی بر حل مشکلات یادگیری دانش‌آموزان برویم. پراشینگ (۲۰۰۲) بیان می‌کند که تهیه محیط آموزشی برای دانش‌آموزان عقیده خوبی است. باید برای آن‌ها، محیط‌هایی طراحی کرد که با قسمت‌های ساکت، آرام و گوشه‌های تاریک برای دیدن فیلم‌های آموزشی، خواندن و غیره. هر محیط آموزشی باید مکان راحتی داشته باشد که دانش‌آموزان به طور غیررسمی بتوانند در آن یاد بگیرند و محیط تدریس باید با ترجیحات سبک یادگیری دانش‌آموزان، متناسب باشد. این مهم است که شرایط فیزیکی محیط یاددهی از نظر نور، دما، صدا و وسایل آموزشی با ترجیحات یادگیری فراگیران متناسب

¹² . learner-centered

¹³ . Hess

¹⁴ . Palmer

باشد. نتیجه این تناسب، ایجاد یک محیط یادگیری، تصور مثبت از خود^{۱۵}، نگرش مثبت به مدرسه و مراکز آموزشی و اشتیاق هرچه بیشتر به یادگیری برای فراگیران می‌باشد.

مفهوم شخصیت و تیپ شخصیتی

از آغاز تولد، تأثیرپذیری ما از جهان خارج آغاز می‌شود. زبان ما ره‌آورد محیط اجتماعی ماست، که به ما می‌آموزد که چگونه رفتار کنیم و عنصر عشق و محبت را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد. لیکن فردیت ما به گونه‌ای نفوذ ناپذیر است که به خلق محیط‌های درونی خود می‌پردازد. در درون محیط‌های درونی (جهان درون) هویت هر یک از ما شکل می‌گیرد و این هویت و شخصیت که از سال‌های اول زندگی تکوین می‌یابد، به شکل قابل توجهی در سال‌های بعد استمرار دارد (جوینس و همکاران، ۱۳۹۰). در شخصیت خصوصیتی نهفته است که در اعمال افراد نمایان یا منعکس می‌شود. استنباط‌های شما درباره شخصیت افراد تا حدودی بر آنچه که آن‌ها در زمان‌های مختلف انجام می‌دهند، مبتنی است. شخصیت تا حدودی نیز موضوعی است در این مورد که افراد کاری را چگونه انجام می‌دهند یعنی سبکی که رنگی منحصر به فرد و شخصی به رفتار آن‌ها می‌بخشد (کارور و شی-یر^{۱۶}، ۲۰۰۷؛ ترجمه رضوانی، ۱۳۸۷).

نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت NEO

یکی از طبقه‌بندی‌های صفات شخصیت، طبقه‌بندی پنج عامل بزرگ شخصیت NEO است. در این الگو پنج عامل برای شخصیت معرفی می‌شود میشل و شودا^{۱۷} (۱۹۹۸)، به نقل از امانی و امانی، خداپناهی و حیدری، (۱۳۸۵) معتقدند که این عوامل در واقع بازتاب نظام‌های شناختی عاطفی اساسی شخصیت است. نظام شناختی یا عاطفی به عنوان نظامی تعریف می‌شود که از واحدهای واسطه‌ایی مانند انتظارات، اهداف و پردازش، شناختی تشکیل شده است که هشیارانه و ناهشیارانه، با موقعیت تعامل دارند. این نظام‌ها شامل رمزگشایی، انتظارات، باورها، عواطف، اهداف، ارزش‌ها، برنامه‌های خودتنظیمی^{۱۸} و سبک معلم است. شیوه اصلی برای تعیین عوامل این بوده است که افراد، خود یا دیگران را در صفات مختلف درجه‌بندی کرده و سپس نتایج، تحلیل عاملی شده و وجود ابعاد پنج‌گانه اصلی تأیید شده است (پروین و جان، ۲۰۰۰؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). بدین ترتیب مدل پنج عاملی شخصیت حاصل بررسی هم‌پوشی صفات شخصیت است. این پنج عامل هم در مقیاس رتبه-بندی هم‌سالان و هم‌سنجی‌های شخصیت، پرسشنامه‌های نیازها و انگیزه‌ها و طبقات اختلال شخصیت یافت می‌شود (مک‌کرا و کاستا^{۱۹}، ۱۹۹۹؛ به نقل از نیلفروشان، ۱۳۸۹). طبقه‌بندی پنج عامل بزرگ

15 . self-image

16 . Karor & Shiyer

17 .Mishel & Shoda

18 . self-regulatory plans

19 . MacKera & Kasta

عملکرد الحاقی دارد. زیرا سیستم‌های مختلف توصیف شخصیت را در یک چارچوب مشترک ارائه می‌کند. بنابراین می‌تواند نقطه شروعی برای پژوهش و نظریه‌پردازی باشد که حتی به تعبیت و بازسازی طبقه‌بندی توصیفی علت و پویایی‌هایی شخصیت منجر می‌شود (جان و سریواستاوا^{۲۰}، ۱۹۹۹). مک‌کرا و کاستا (۱۹۹۵) معتقدند مدل پنج عاملی شخصیت، دید جامعی نسبت به انسان دارد و تقریباً تمام صفات مورد اشاره در میان عامه مردم و نظریه‌های علمی شخصیت را در بر می‌گیرد. مدل پنج عاملی نه تنها یک نظریه است بلکه فرضیه‌های نظریه صفات را نیز اتخاذ کرده است. عوامل پنج‌گانه در طی مدت زمان طولانی و در فرهنگ‌های مختلف عموماً ثابت‌اند. همچنین مدل پنج عامل بزرگ اشاره می‌کند که صفات به طور سلسله‌مراتبی از سازه‌های کلی (پنج عامل) به سازه‌های خاص (رویه‌های هر یک از عوامل) سازمان‌دهی می‌شود. بر اساس این مدل، صفات به صورت سلسله‌مراتبی سازماندهی شده‌اند به طوری که از گرایش‌های محدود و خاص به گرایش‌های بنیادین وسیع و کلی پیش می‌رود. این پنج عامل در بالاترین سطح سلسله‌مراتب هستند (مک‌کرا و کاستا، ۱۹۹۹؛ به نقل از گروهی فرشی، ۱۳۷۷). کاستا و مک‌کرا در سال ۱۹۸۵، پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را مشخص نموده‌اند. در مدل پنج عاملی، شخصیت بهنجار هر یک از پنج بعد روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی است:

روان‌رنجوری

بعدی است که زیر بنای تجربه فرض هیجان‌نازاحت‌کننده است (بیوژارد و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از نیلفروشان، ۱۳۸۹). روان‌رنجوری، ثبات هیجانی و آرامش را از هیجان‌خواهی منفی^{۲۱} متمایز می‌کند (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹). این عامل در مقابل ثبات هیجانی، طیف وسیعی از احساسات منفی از جمله اضطراب، غمگینی، بدخلقی، تحریک‌پذیری، عدم اطمینان، بی‌کفایتی و عصبیت را در بر می‌گیرد (پروین و جان، ۲۰۰۰؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). روان‌رنجوری مؤثرترین قلمروی مقیاس‌های شخصیت تقابل سازگاری یا ثبات عاطفی با ناسازگاری یا روان‌رنجوری می‌باشد. تمایل به تجربه عواطف منفی چون ترس و غم (شائو و وبر^{۲۲}، ۲۰۰۶).

برون‌گرایی

به عنوان رویکرد فعال به دنیای اجتماعی و مادی تعریف شده و شامل صفاتی چون جمع‌گرایی، فعالیت، جرأت‌مندی، هیجان‌خواهی مثبت، خونگرمی، پرحرفی، خوش‌بینی، خوش‌مشربی و مهربانی است (پروین و جان، ۲۰۰۰؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). در برون‌گرایی: جامعه‌گرا بودن، دوست داشتن مردم، برانگیختگی جنسی بالا صفات این افراد است (شائو و وبر، ۲۰۰۶).

²⁰ Jan & Seriv Astava

²¹ . negative emotionality

²² .Shao & Webber

تجربه‌گرایی

تجربه‌گرایی یا پندپذیر بودن نسبت به تجارب نشان دهنده گستردگی، عمیق و پیچیدگی ذهن تجارت زندگی فرد است (پروین و جان، ۱۳۸۶) و بر قدرت تخیل، کنجکاوی، علائق متنوع، ابتکار و نگرش‌های روشنفکرانه دلالت دارد (بوژارد، ۲۰۰۳). در تجربه‌پذیری، تصور فعال، احساس زیباپسندی، تنوع‌طلبی، استقلال در قضاوت از خصوصیات این افراد است (شائو و وبر، ۲۰۰۶).

توافق‌پذیری

توافق‌پذیری بین جهت‌گیری ارتباطی و تمایل نسبت به دیگران و خصومت و مخالفت تمایز قائل شده (جان و سربواستاوا، ۱۹۹۹) و بیانگر اعتماد، همدردی و همکاری است (بوژارد و همکاران، ۲۰۰۳). توافق‌پذیری صفاتی را در بر می‌گیرد که نشان می‌دهد که افراد با یکدیگر و برای یکدیگر چه می‌کنند. خوش‌قلبی، خوش‌خلقی، قابلیت اعتماد، حس همکاری، گذشت و خوش‌باوری از صفاتی هستند که در تعریف توافق‌پذیری بکار می‌روند (پروین و جان، ۲۰۰۰؛ ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶). یک فرد توافق‌پذیر اساساً نوع‌دوست است. او نسبتاً به دیگری همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک‌کننده هستند، در مقابل فرد غیرتوافق‌پذیر، ستیزه‌جو، خودمدار، شکاک نسبت به دیگران و رقابت‌جو است (وایت، هندریک و هندریک، ۲۰۰۴).

وجدان‌گرایی

وجدان‌گرایی کنترل‌تکانه‌هایی که جامعه معین کرده است را در بر گرفته و نشان‌دهنده رفتار وظیفه‌مدار و هدف‌مدار مانند تفکر قبل از اقدام، پیروی از هنجارها، برنامه‌ریزی، نظارت بی‌وقفه، و مقدم شمردن وظایف است (جان و سربواستاوا، ۱۹۹۹) و شامل حس کفایت، وظیفه‌شناسی و نیاز به پیشرفت و سازماندهی است (بوژارد و همکاران، ۱۹۹۹) و صفاتی مانند نظم، قابلیت اعتماد، سخت‌کوشی، خودتنظیمی، وقت‌شناسی، دقت، تمیزی و استقامت را شامل می‌شود (پروین و جان، ۱۳۸۶). در وجدان‌گرایی، فرد مسؤلیت‌پذیر، هدفمند، با اراده، مصمم و دقیق است (شائو و وبر، ۲۰۰۶). برای هریک از عوامل، شش رویه مشخص شده است. روان‌رنجوری شامل اضطراب، افسردگی، خصومت، کم‌رویی، تکانش‌گری و آسیب است. برون‌گرایی توسط گرمی، جمع‌گرایی، قاطعیت، فعالیت، هیجان‌خواهی و هیجان‌های مثبت مشخص می‌شود. تجربه‌گرایی شامل تخیل، زیباپسندی، احساسات، اعمال، عقاید و آرا و ارزش‌ها است. رویه‌های توافق‌پذیری شامل اعتماد، صراحت و سادگی، نوع دوستی، پیروی و موافقت، تواضع و فروتنی، نرم‌خویی و دل‌رحمی است. وجدان‌گرایی شامل کفایت، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، پیشرفت‌گرایی یا تلاش برای موفقیت، پشتکار و محتاط بودن است (کاستا و مک‌کرا، ۱۹۹۲، وایت و همکاران، ۲۰۰۴).

23. White & Hendrick & Hendrick

یکی از عوامل مهم در تدریس ویژگی‌های شخصیتی و علمی معلم است. اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی، معلم است. شخص معلم است که می‌تواند نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب، به محیط غیرفعال و غیر جذاب تبدیل کند. در فرآیند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی معلم نیست که مؤثر واقع می‌شود، بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر شدیدی می‌گذارد. معلمان ویژگی‌های کم و بیش مشترکی دارند، که لازم است همه جا داشته باشند. با توجه به اهمیت ارتباط سبک تدریس با ویژگی‌های شخصیتی معلمان برای آموزش و یادگیری موثر و همچنین ناکافی بودن پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، این بررسی، با هدف بررسی این رابطه صورت گرفت و فرضیه‌های زیر استخراج شدند:

- بین سبک‌های تدریس و روان‌رنجوری در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های تدریس و برون‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های تدریس و تجربه‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.
- بین سبک‌های تدریس و وجدان‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

۲- روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-همبستگی است، از آنجا که در این پژوهش، دستکاری آزمایشی صورت نمی‌گیرد، طرح پژوهشی در زمره طرح‌های توصیفی و از نظر هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی است. جامعه این پژوهش معلمان زن و مرد مقطع ابتدایی شهرستان دشت آزادگان بوند که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای پژوهشگر اقدام به انتخاب ۲۰۷ نفر نمود.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین، انحراف استاندارد، و آزمون خی دو استفاده گردید. برای اندازه‌گیری مولفه‌های الگوی پراشینگ از پرسشنامه استاندارد آن و فرم کوتاه نئو استفاده شد.

۳- یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های الگوی پراشنینگ و ویژگی‌های شخصیت معلمان به عنوان متغیرهای پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

مؤلفه‌های سبک تدریس و ویژگی‌های شخصیتی	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
روش‌های تدریس	۲۰۷	۱/۱۴	۴/۶۴	۳/۱۰	۰/۵۴
راهبردهای مدیریت	۲۰۷	۰/۷۳	۴/۰۷	۲/۷۳	۰/۴۶
محیط کلاس	۲۰۷	۰/۲۵	۴/۲۵	۲/۷۶	۰/۷۳
فنون برنامه‌ریزی	۲۰۷	۰/۵۰	۴/۸۰	۳/۶۲	۰/۶۳
روان‌رنجوری	۲۰۷	۱/۸۳	۴/۱۷	۲/۷۷	۰/۳۸
برون‌گرایی	۲۰۷	۲/۳۳	۴/۱۷	۳/۳۶	۰/۳۱
تجربه‌گرایی	۲۰۷	۲	۴/۲۵	۳/۳۱	۰/۳۰
توافق‌پذیری	۲۰۷	۲	۴/۳۳	۳/۲۵	۰/۳۷
وجدان‌گرایی	۲۰۷	۲/۳۳	۴/۴۲	۳/۵۵	۰/۳۳

جدول (۱) نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های سبک تدریس بیشترین میانگین مربوط به فنون برنامه‌ریزی (۳/۶۲)، سپس روش‌های تدریس (۳/۱۰) و کمترین میانگین مربوط به محیط کلاس و راهبردهای مدیریت می‌باشد. همچنین بیشترین میانگین از بین ویژگی‌های شخصیتی وجدان‌گرایی (۳/۵۵) و کمترین میانگین مربوط به روان‌رنجوری (۲/۷۷) می‌باشد.

۴- تحلیل استنباطی داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون خی‌دو استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

فرضیه اول: بین سبک‌های تدریس و روان‌رنجوری در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و روان‌رنجوری

کل	روان رنجوری			
	بالا	متوسط	پایین	
۱۸	۶	۱۱	۱	سبک معلم محور
۲۹	۴	۲۵	۰	سبک‌های تدریس سبک انعطاف‌پذیر
۱۶۰	۳۹	۱۱۵	۶	سبک دانش‌آموز محور
۲۰۷	۴۹	۱۵۱	۷	کل

جدول (۲) نشان می‌دهد که فراوانی میزان روان‌رنجوری معلمان که سبک‌های تدریس دانش‌آموز محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور دارند یکسان است. به عبارت دیگر روان‌رنجوری در معلمان به یک اندازه بر سبک تدریس تأثیر دارد.

جدول ۳- آماره‌های آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و روان‌رنجوری

مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
۴/۳۰۵	۴	۰/۳۶۶	خی‌دو (χ^2)
۲۰۷			کل

بر اساس نتایج جدول (۳) سبک‌های تدریس با ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری رابطه معناداری در سطح $p < 0.05$ ندارد. مشاهده مقدار χ^2 نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس مستقل از ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری معلمان می‌باشد.

فرضیه دوم: بین سبک‌های تدریس و برون‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و برون‌گرایی

کل	برون‌گرایی	
	بالا	متوسط

۱۸	۱۱	۷	سبک معلم محور	
۲۹	۲۳	۶	سبک انعطاف پذیر	
۱۶۰	۱۴۳	۱۷	سبک دانش آموز محور	سبک‌های تدریس
۲۰۷	۱۷۷	۳۰		کل

جدول ۴- نشان می‌دهد که معلمانی که سبک تدریس دانش‌آموز محور دارند برون‌گرایی بیشتری دارند تا معلمانی که سبک انعطاف‌پذیر و معلم محور دارند. به عبارت دیگر برون‌گرایی با سبک تدریس دانش‌آموز محور هماهنگی بیشتری دارد.

جدول ۵- آماره‌های آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و برون‌گرایی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار	
۰/۰۰۳	۲	۱۱/۴۷۵	خی‌دو (χ^2)
		۲۰۷	کل

بر اساس نتایج جدول (۵) سبک‌های تدریس با ویژگی شخصیتی برون‌گرایی رابطه معناداری در سطح $p < 0.01$ دارد. مشاهده مقدار χ^2 نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس تحت تأثیر ویژگی شخصیتی برون‌گرایی معلمان قرار دارد.

فرضیه سوم: بین سبک‌های تدریس و تجربه‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

جدول ۶- آماره‌های توصیفی آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و تجربه‌گرایی

کل	تجربه‌گرایی	
----	-------------	--

	پایین	متوسط	بالا	
سبک معلم محور	۰	۵	۱۳	۱۸
سبک‌های تدریس	۱	۲	۲۶	۲۹
سبک دانش‌آموز محور	۰	۱۹	۱۴۱	۱۶۰
کل	۱	۲۶	۱۸۰	۲۰۷

جدول (۶) نشان می‌دهد که معلمانی که سبک تدریس دانش‌آموز محور دارند تجربه‌گرایی بیشتری دارند تا معلمانی که سبک تدریس انعطاف‌پذیر و سبک تدریس معلم محور دارند.

جدول ۷- آماره‌های آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و تجربه‌گرایی

مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱۰/۷۵۶	۴	۰/۰۲۹
χ^2 دو		
کل		۲۰۷

بر اساس نتایج جدول (۷) سبک‌های تدریس با ویژگی شخصیتی تجربه‌گرایی رابطه معناداری در سطح $p < 0.05$ دارد. مشاهده مقدار χ^2 نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس تحت تأثیر ویژگی شخصیتی تجربه‌گرایی معلمان قرار دارد.

فرضیه چهارم: بین سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

جدول ۸- آماره‌های توصیفی آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری

کل	توافق‌پذیری			
	پایین	متوسط	بالا	
۱۸	۰	۷	۱۱	سبک معلم محور
۲۹	۰	۱۳	۱۶	سبک‌های تدریس
۱۶۰	۱	۲۹	۱۳۰	سبک دانش‌آموز محور

جدول (۸) نشان می‌دهد که معلمانی که سبک تدریس دانش‌آموز محور دارند توافق‌گرایی بیشتری دارند تا معلمانی که سبک تدریس انعطاف‌پذیر و سبک تدریس معلم محور دارند.

جدول ۹- آماره‌های آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری

مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱۲/۳۸۳	۴	۰/۰۱۵
χ^2 دو		
کل ۲۰۷		

بر اساس نتایج جدول (۹) سبک‌های تدریس با ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری رابطه معناداری در سطح $p < 0.05$ دارد. مشاهده مقدار χ^2 نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس تحت تأثیر ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری معلمان قرار دارد.

فرضیه پنجم: بین سبک‌های تدریس و وجدان‌گرایی در معلمان مدارس ابتدایی شهرستان دشت آزادگان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- آماره‌های توصیفی آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و وجدان‌گرایی

وجدان‌گرایی		متوسط	سبک معلم محور
بالا	کل		
۱۲	۱۸	۶	سبک معلم محور
۲۷	۲۹	۲	سبک‌های تدریس سبک انعطاف‌پذیر
۱۵۴	۱۶۰	۶	سبک دانش‌آموز محور
۱۹۳	۲۰۷	۱۴	کل

جدول (۱۰) نشان می‌دهد که معلمانی که سبک تدریس دانش‌آموز محور دارند وجدان‌گرایی بیشتری دارند تا معلمانی که سبک تدریس انعطاف‌پذیر و سبک تدریس معلم محور دارند.

جدول ۱۱- آماره‌های آزمون χ^2 سبک‌های تدریس و وجدان‌گرایی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار	خی‌دو (χ^2)
۰/۰۰۰۱	۲	۲۲/۴۵۶	
		۲۰۷	کل

بر اساس نتایج جدول (۱۱) سبک‌های تدریس با ویژگی شخصیتی وجدان‌گرایی رابطه معناداری در سطح $p < 0.01$ دارد. مشاهده مقدار χ^2 نشان می‌دهد که سبک‌های تدریس تحت تاثیر ویژگی شخصیتی وجدان‌گرایی معلمان قرار دارد.

۵- بحث و نتیجه گیری

به منظور بررسی فرضیه اول پژوهش از آزمون خی دو استفاده شد. یافته‌ها نشان داد آزمون خی دو برای رابطه بین سبک‌های تدریس و روان‌رنجوری معنادار نیست ($P > ۰/۳۶$). این یافته نشان می‌دهد که بین سبک‌های تدریس معلم محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور با ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی ارتباطی وجود ندارد. در تبیین این یافته توجه به چند نکته ضروری است اولاً از آنجا که بیش از ۷۰ درصد از معلمان میزان روان‌رنجورخویی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند، پس می‌توان نتیجه گرفت ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی در این معلمان غلبه چندانی ندارد و بیشتر آنها از این نظر برخوردار از سطحی طبیعی از این ویژگی شخصیتی می‌باشند. همچنین باید توجه داشت که بیش از ۷۷ درصد از معلمان پژوهش حاضر دارای سبک تدریس دانش‌آموز محور بوده‌اند، طبیعی است معلمانانی که دارای صفت شخصیتی روان‌رنجوری هستند نمی‌توانند سبک تدریس دانش‌آموز محور داشته باشند چرا که این سبک تدریس مستلزم وجود صفات شخصیتی مثبتی همچون برون‌گرایی، مردم‌آمیزی، گرمی و ... است. نهایتاً باید توجه داشت که معمولاً معلمان هم به صورت شخصی و هم توسط سیستم مدیریتی مدرسه به واکنش‌ها و صفات روان‌رنجور حساس هستند. به عبارت دیگر، در صورتی که معلمان از نظر روان‌رنجوری در سطح بالایی قرار داشته باشند هم سیستم مدیریتی مدرسه و هم خودشان به فکر چاره‌جویی و درمان خواهند بود و اگر معلمی از این نظر در محدوده شدیدی قرار داشته باشد در عملکرد تدریس وی این مسأله نمودی برجسته خواهد داشت.

در فرضیه دوم پژوهش یافته‌ها نشان داد آزمون خی دو برای رابطه بین سبک‌های تدریس و برون‌گرایی معنادار است ($P < ۰/۰۰۳$). این یافته نشان می‌دهد که بین سبک‌های تدریس معلم محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور با ویژگی شخصیتی برون‌گرایی ارتباط وجود دارد. در تبیین این یافته باید به نکته توجه داشت که فرآیند تدریس اساساً یک فرآیند تعامل دوسویه بین معلم و دانش‌آموز یا یاددهنده و یادگیرنده است. بنابراین معلمان دارای هر یک از روش‌های تدریس اعم از معلم محور، انعطاف‌پذیر یا دانش‌آموز محور برای موفقیت در فرآیند تدریس به درجاتی از تعامل و ارتباط با

یادگیرندگان نیازمند هستند که لازمه آن داشتن تیپ شخصیتی برون‌گرا است. از همین رو بین سبک‌های تدریس و تیپ شخصیتی برون‌گرا رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش حاضر نشان داد معلمانانی که سبک تدریس دانش‌آموزمحور دارند برون‌گرایی بیشتری دارند تا معلمانانی که سبک انعطاف‌پذیر و معلم‌محور دارند. به عبارت دیگر برون‌گرایی با سبک تدریس دانش‌آموز محور هماهنگی بیشتری دارد. در نهایت این نکته را نیز باید مد نظر قرار داد که بیش از ۷۷ درصد از معلمان پژوهش حاضر دارای سبک تدریس دانش‌آموز محور بوده‌اند که جزء ویژگی‌های بارز آن تعامل دو سویه با دانش‌آموزان و ارتباط گرم و صمیمانه با آنهاست.

در فرضیه سوم پژوهش یافته‌ها نشان داد رابطه بین سبک‌های تدریس و تجربه‌گرایی معنادار است ($P < 0/02$). به عبارتی بین سبک‌های تدریس معلم‌محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور با ویژگی شخصیتی تجربه‌گرایی ارتباط وجود دارد. لازم به ذکر است ۸۶ درصد از معلمان پژوهش حاضر میزان صفت تجربه‌گرایی شان را بالا گزارش کرده بودند.

در فرضیه چهارم پژوهش یافته‌ها نشان داد رابطه بین سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری معنادار است ($P < 0/01$). یعنی بین سبک‌های تدریس معلم‌محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور با ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری ارتباط وجود دارد. در تبیین این یافته نکته زیر قابل توجه است: تبیین‌هایی که در خصوص رابطه سبک‌های تدریس با برون‌گرایی ذکر شد نیز در اینجا قابل استناد است چرا که توافق‌پذیری تا حد زیادی همسو و مرتبط با صفت شخصیتی برون‌گرایی است.

در فرضیه پنجم پژوهش یافته‌ها نشان داد رابطه بین سبک‌های تدریس و توافق‌پذیری معنادار است ($P < 0/001$). به عبارتی بین سبک‌های تدریس معلم‌محور، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور با ویژگی شخصیتی وجدان‌گرایی ارتباط وجود دارد. در اینجا هم یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان دارای سبک تدریس شاگرد محور یا دانش‌آموز محور و همین‌طور انعطاف‌پذیر که تعداد بسیار زیادی از معلمان پژوهش حاضر دارای این سبک‌های تدریس هستند، وجدان‌گرایی یا وظیفه‌شناسی بالایی دارند. از آنجایی که این سبک‌های تدریس دانش‌آموزان را محور فعالیت‌های تدریس و هدف‌های آموزش قلمداد می‌کنند، پس معلم با وظیفه‌شناسی و مؤلفه‌های مرتبط با آن خود را متعهد به توجه به نیازهای شخصیتی و آموزشی دانش‌آموزان می‌داند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که سبک تدریس دانش‌آموز محور با ویژگی‌های شخصیتی وجدان‌گرایی، توافق‌پذیری، برون‌گرایی و تجربه‌گرایی رابطه دارد ولی با روان‌رنجوری رابطه ندارد. دلیلی که برای این رابطه می‌توان بیان کرد این است که لازمه سبک تدریس دانش‌آموز محور روابط اجتماعی سطح بالا، عمل‌گرایی، توافق و هماهنگی با دیگران، مسئولیت‌پذیری در قبال گروه می‌باشد. بنابراین معلمانانی که این ویژگی‌ها را داشته باشند از سبک تدریس دانش‌آموز محور بیشتر استفاده می‌نمایند. موضوع مهم و قابل بحث در جمع‌بندی این نتایج این است که واقعاً چیزی به نام سبک تدریس خوب و بد وجود ندارد، و موفقیت ممکن است با هر نوع سبک تدریسی وجود داشته باشد. تناسب بین سبک‌های تدریس و تیپ شخصیتی را زمانی می‌توان به

دست آورد که معلمان از نیازها، استعدادها، پتانسیل‌ها و ترجیح ویژگی شخصیتی‌شان، برای برآورده کردن نیازها آگاهی داشته باشند. وظیفه معلمان و مربیان و مراکز آموزشی این است که آگاهی کاملی نسبت به سبک‌های تدریس و ویژگی شخصیت خود داشته باشند. با توجه به اینکه معلمان سطوح بالایی از دانش آموز محوری را در سبک تدریس خود نشان دادند، ضروری است، سیستم آموزشی کشور باید برای پیشبرد هر چه بیشتر این هدف، به سمت سبک تدریس دانش‌آموز محور که سبک تدریس ترجیحی بیشتر دانش‌آموزان می‌باشد، حرکت کند.

مراجع

- ✓ امیری، مهدی. (۱۳۹۴). سبک تدریس و ویژگی‌های شخصیتی معلمان، گرگان: انتشارات نوروزی.
- ✓ نقیه، مجید. (۹۴-۱۳۹۳). ظرافت‌های معلمی (۶۷۸ نکته کاربردی برای معلمان، دبیران و اساتید). تهران: انتشارات بین‌المللی کاج.
- ✓ امانی، ف. خداپناهی، م.ک. و حیدری، م. (۱۳۸۵). رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نئو در تعامل با جنس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ✓ پروین، ال، ا. و جان، او، بی. (۱۳۸۶)، شخصیت: نظریه و پژوهش، ترجمه ج جوادی و پ کدیور، تهران: انتشارات آبیژ.
- ✓ جلالی، ه. (۱۳۹۰)، بررسی همبستگی بین تیپ‌های شخصیتی، رغبت‌های شغلی، ارزش‌های کاری و ارزش‌های عمومی با رضایت شغلی معلمان زن شهرستان نجف آباد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- ✓ جویس، ب، کالهن، ا. و هاپکینز، د. (۱۳۹۰)، الگوهای یادگیری: ابزارهایی برای تدریس، ترجمه: محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی، ویراست دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت، ۳۷۴ صفحه.
- ✓ درویش‌قدیمی، ف. (۱۳۸۹)، سبک‌های تدریس اعضای هیأت علمی دانشکده‌های تابعه دانشگاه علوم پزشکی ایران، مجله آموزش در علوم پزشکی، ۱۱ (۸): ۹۲۵-۹۱۷.
- ✓ رایینز، استیفن، پی. (۱۳۷۹)، رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه‌ها و کاربرد، ترجمه: ع پارسائیان و م اعرابی، جلد اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ✓ رسولی نژاد، س. ا. و رسولی نژاد، س. و. (۱۳۸۴). بررسی سبک یادگیری دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. دوره سوم، شماره ۱. ۲۴ صفحه.
- ✓ قربانی، ا. (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی «درون‌گرایی و برون‌گرایی» با تعهد سازمانی و رضایت شغلی دبیران دوره راهنمایی نواحی چهارگانه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- ✓ قضاوی، ن. (۱۳۸۹)، ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مدیریت کلاس درس دبیران دبیرستان دخترانه شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- ✓ کارور، چارلز، اس. و شی، بر، مایکل، اف. (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

- ✓ کلینک، ک. (۱۳۸۷)، انسان سالم، زندگی سالم: رویارویی با چالش‌های زندگی و فن‌آوری در سده بیست و یکم، ترجمه ع م گودرزی، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ✓ گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷)، هنجاریابی پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ✓ نیلفروشان، پ. (۱۳۸۹)، مدل معادله ساختاری کیفیت رابطه زناشویی بر اساس ویژگی‌های روان‌شناختی همسران، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

- ✓ Bouchard, G. (2003), Cognitive appraisals, neuroticism, and coping strategies: an integrative model of adaption to marital difficulties. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 35, 1, 1-12.
- ✓ Grasha, A. (1996), *Teaching with style*, Alliance publishers, Pittsburgh
- ✓ Harp, B. (1996), *Reading and writing: Teaching for connection 2ed*, Orlando: Hareourt Brace 1996:68.
- ✓ Heimlich, J. E., & Norland, E. (2002), Teaching style: Where are we now?, *New Directions for Adult and Continuity Education*, 2002 (93): 17-26.
- ✓ Hess, G. (1998), *Mastering the techniques of teaching*, available from Jossey – Bass publishers, San Francisco.
- ✓ John, O. P., & Srivastava, S. (1999), the big five trait taxonomy: history, Meadurment, and theoretical perspective. In L, A, Perrvin. & P, P, John. (Eds), *Handbook of Personality, Theory and research*, (pp. 102-139).
- ✓ Joyce, E. B., & Meredith, A. V. (2007), Personality and emotional performance: Extra version, Neuroticism, and self-monitoring, *Journal of occupational Health Psychology*, Volume. 12, issue 2. 177-192.
- ✓ Palmer, L. (1990), *Education's ecstasy explosion: the joyful experience of super - accelerative learning and teaching*.
- ✓ Prashnig, B. (2002), *the power of diversity*, published by Bateman, New Zealand.
- ✓ Shao, L., & Webber, Sh. (2006), A cross-cultural test of the five-facto model of personality and transformational leadership, *Journal of Business, Research*.
- ✓ White, J. K., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (2004), Big five variables and relationship constructs, *Personality and Individual Differences*, 37, 1519-1530.